

هو الحكيم*

عنوان:

آیا هر کشف مطابق واقعی رحمانی است؟!!



دکتر وحید باقر پورکاشانی



سیرتہاگی SERATEHAGHI

می‌فرماید؛ ما عقل را حجت
و ترازویی برای سنجش می‌دانیم،
این حرف، حرف درستی است،
و همچنین رؤیا و کشف صادقانه
را مؤید حجت الهی می‌دانیم،
لذا معتقدیم رؤیای صادقانه
باید مؤید نص تشخیصی باشد
و اگر نباشد رحمانی محسوب نمی‌شود.
اما سوال این است که شما
عقیده‌ی خود بر عدم حجیت رؤیا
را از کدام عقل و کلام وحی گفتید؟
بینید این مطلب،
مطلب درستی است،

اما این مطلبی که ایشان گفتند

در حقیقت نقض کرده‌اند نسبت به

ادعاهای بالا! ایشان می‌گویند ما چه

خوابی را قبول داریم؟ چه کشفی را قبول داریم؟

می‌گویند آن که مطابق عقل باشد، آن که مطابق وحی باشد،

پس هر کشفی را، هر خوابی را ما باید عرضه بکنیم

به عقل و وحی، که بفهمیم این کشف رحمانی است

یا شیطانی! خب این که حرف درستی است،

ما هم این رو می‌گیریم! اگر شما این

خواب را عرضه کردی

به وحی، اگر ضد عقل و وحی

باشد که این شیطانی است،

تا این جا ما با شما هم ردیفیم.

به علاوه که شما این جا يك
مسئله‌ای را گفתי که حرف‌های خودتان را نقض
کردید. ببینید شما می‌گید
که میزان در حقیقت عقل و
شرع است، ما چیزی را که با
عقل و شرع بسازه، خوابی که، کشفی که با عقل و
شرع بسازه... خب پس وقتی
این طوری شد آقا کشف و خواب میزان نیست،
جناب احمدالحسن لازم نیست
که به این ترتیب
از خدا و رسولانش از طریق
وحی در رؤیا و کشف بشنوند!

چرا از طریق رؤیا و کشف؟
از طریق قرآن و عترت بره بشنوه،
از طریق حکم عقل بره دینش رابیا به،
خداش را بشناسه، چرا از این طریق! که بعداً ما
بخوایم خواب و کشف را عرضه کنیم به حکم عقل،
و عرضه کنیم به قرآن و حدیث،
خب این چه کاری است!
ما از همان اول میریم از قرآن و حدیث دینمان
را می‌گیریم، خدامون را می‌شناسیم،
مستخلف خودمون را می‌شناسیم.
اگر بنا باشه هر کشف و خوابی
عرضه بشه به قرآن و عترت و عقل
و اگر مطابقت بکنه، اون رحمانی

باشه از او بگیریم این چه کاری است!
خب از خود قرآن و عقل و حدیث
میریم می‌گیریم، اصلاً کشفی بشه
یا نشه، چه تفاوتی این وسط!
اما نکته‌ای که می‌خوام بگم این
است، اشتباهی که کردن این است؛
می‌گه اگر چنانچه خواب و کشف،
مطابق حقیقت باشد این کشف رحمانی است!
مگر در ارتباط با آیت الله سید موسی زرابادی
آن چیزی که به مکاشفه در خارج می‌دید،
مردم را می‌دید این‌ها ضد عقل بود؟!
ضد تجربه بود؟!

همه را عین واقعیت داره می‌بینه.

پس این که شیطان عین واقعیت را به یک نفر
نشان بده، دلیل بر این نیست که آن کشفی که
داشته این کشف، کشف رحمانی هست.

مرحوم آیت الله سید موسی زرابادی

تمام دور و برش را می‌دید، کسانی هم..

گزارش‌هایی هست که می‌آمدن بیرون، خبر می‌داد،

تعجب می‌کردن، می‌گفتن آقا مگه

شما تو کوچه بودی؟ عین حقیقت را بهش نشان می‌داد!

اما عین حقیقت را که نشان می‌داد

که مطابق حس بود، مطابق عقل بود،

مطابق وجدان بود، مطابق

حقیقت بود، تمام این‌ها بود،

اما این کشف، کشف رحمانی نبود،

کشف شیطانی بود.

این‌ها مقدماتی بود که می‌خواست

اعطاء بکنه، جلب رضایت این آقا

شیخ را بکنه که بعداً بهش بگه که

چی؟ اعمال ظاهریت را کنار بگذار!

پس دقت بکنید اشکال پنجم را!

می‌فرمایند؛ ما عقل را حجت و

ترازویی برای سنجش می‌دانیم،

همچنین رؤیا و کشف صادقانه را مؤید

حجج الهی می‌دانیم، پس این‌ها شد فقط چی؟

در تأیید، کشف شد در تأیید

حکم عقل، در تأیید حکم وحی.



لذا معتقدیم رؤیای صادقه باید مؤید

نص تشخیصی باشد، این هم درست است.
یعنی اگر چنانچه خواب، خواب صادقه باشد،
کشف، کشف صادقه باشد، این جا باید با
نص مخالفت نکنه، تا این جا هم درست است.
اما آیا هر تطابقی دلیل بر رحمانی بودنش است؟
هر کشف رحمانی، مطابقت با نص می کنه،
اما هر کشف درستی، کشف رحمانی نیست!
نکته این جا این است. و اگر نباشد رحمانی
محسوب نمی شود تا این جا درست است.
اگر چنانچه کشف و خوابی ضد دین باشد این
رحمانی نیست، اما اگر ضد دین نباشه چی؟
نمی دانیم رحمانی یا شیطانی است!



اما سوال این است که
شما عقیده‌ی خود را به
عدم حجیت رؤیا را از
کدام عقل و یا کلام وحی گرفتگی!
غیر معصوم دیگه..
دلیل بر این که غیر معصوم است
و در آن خطا است،
داریم می‌بینیم
که چنین کاری را داره انجام می‌ده.